



امام حسین (علیه السلام) هنگامی که تصمیم گرفت (از مکه) رهسپار عراق شود، بر خاست و خطبهای به این مضمون ایراد فرمود

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ، خَطَّ الْمَوْتُ عَلَى وَدِّ آدَمَ مَخَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاهِ، وَ مَا أَوْلَهُنِي إِلَى أَسْلَافِي اِشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَى يُونُسَ، وَ خَيْرُ لِي مَصْرَعٌ أَنَا لِأَقِيهِ. كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعَهَا عَسَلَانُ الْفُلُواتِ بَيْنَ النُّوَابِيسِ وَ كَرِبْلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِبَهُ سَعْبًا، لَا مَحِيصَ عَن يَوْمٍ خَطَّ بِالْقَلَمِ، رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصَبَ عَلَى بِلَائِهِ وَ يُوقِنَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ. لَنْ تَشُدَّ عَن رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِحَمَّتِهِ، وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يَنْجِزُ بِهِمْ وَعْدَهُ.

مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مَهْجَتَهُ، وَ مَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۴، ص: ۳۶۷

ستایش مر خدای راست، و مشیت از آن او، و قوت و نیرویی جز به خدا نباشد (قوت هم ازوست) و درود خدا به رسول مکرم او (و ایش) و سلام خدا بر او باد، آرایش مرگ بر فرزند آدم چون آرایش گردنبنند بر گردن دوشیزگان است، گرایش و اشتیاقم به زیارت اسلافم (جد و پدر و مادر و برادرم) چون اشتیاق یعقوب به یوسف است، و برایم قتلگهی گزیده شد که من بدان جایم باید رفت، گونیا می‌نگرم که گرگهای بیابان بند بند مفاصلم را از هم جدا کنند در میان نوایس و کربلاء، چه شکمها از من پر، و چه انبناها که از من آکنده گردد، گزیری از آنچه بر قلم تقدیر رفته نیست، ما- اهل البیت- خشنودی خدا را خرسندی خود دانسته، بر بلایش صابریم، و او اجر صابران را به ما می‌دهد، هیچ گوشت پیامبر (پاره تن) او از وی جدا نگردد مگر آن که در حضیره القدس نزدش گرد آید، چشمش بدانها روشن گردیده و بدانها وعده‌اش انجام گردد.

هر کس که در راه ما خون نثار و بذل می‌کند، و لقای خدا را توطین نفس خویش می‌نماید، پس آماده کوچیدن با ما باشد، چه ما ان شاء الله بامداد فردا حرکت می‌کنیم.

• مروری بر مباحث جلسات گذشته

○ انسان مسافری برای حرکت از خدا به خدا

▪ لازمه رسیدن به لقاء الهی حرکت در سبیل الله است

• لازمه تدام در حرکت معیت با اولیاء الهی است

• اشاره به مخالفین و موانع حرکت در مسیر به مقصد

▪ فیض الهی در ارسال کتاب آسمانی و اولیاء الهی جهت تعالی و حرکت صحیح انسان

▪ تقسیم بندی انسان در برخورد با عوامل با هدایت الهی

• سه دسته کلی کافرین، منافقین و مومنین در نوع برخورد با عوامل هدایت الهی

○ سه شرط اصلی جهت حرکت در مسیر الهی

▪ ایمان کامل به هدایت الهی و عوامل هدایت و همراهی کامل با اولیاء الهی

• چه عواملی مانع تحقق ایمان حقیقی است؟

○ عمل انسان بر اساس نحوه ایمان با توجه به آیه ۸۴ سوره الاسراء

○ شاکله انسان مبنای رفتار انسان

▪ اشاره به معنای جبر و اختیار در ایجاد شاکله انسان

• نفس حقیقت وجود انسان

○ مرگ و جدایی نفس از بدن

○ نفس سرمایه الهی با توجه به آیات ۷ الی ۹ سوره مبارکه شمس

▪ وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

▪ و به نفس و آنکه آن را درست و نیکو نمود، پس بزه‌کاری و پرهیزکاری‌اش را به او الهام کرد. بی‌تردید کسی که نفس را از آلودگی

پاک کرد و [رشد داد، رستگار شد.



- اگر کلمه «نفس» را نکره آورد به نظر بعضی (روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۴۲) برای این بود که به نفس شخص معینی نظر نداشت، و به قول بعضی دیگر (روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۴۲) برای بزرگ جلوه دادن آن بود، ولی به نظر ما بعید نیست برای این بوده باشد که اشاره کند به اینکه آن قدر این خلقت اهمیت دارد که قابل تعریف و توصیف نیست، و اینکه این خلقت را خیری هست.
- امام صادق علیه السلام درباره نفس و قوای آن در روایت شریفی اینگونه میفرمایند (تفسیر القمی ج ۲ ص ۴۲۴)
 - وَ قَوْلُهُ: «وَوَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا» قَالَ: خَلَقَهَا وَ صَوَّرَهَا وَ قَوْلُهُ: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» أَيْ عَرَّفَهَا وَ أَلْهَمَهَا ثُمَّ خَيْرَهَا فَاخْتَارَتْ «قَدْ أُلْحَجَّ مِنْ زَكَّاهَا» يَعْنِي نَفْسَهُ طَهَّرَهَا «وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» أَيْ أُغْوَاهَا.
- در آیه شریفه با آوردن حرف «فاء» بر سر آن، مساله الهام را نتیجه تسویه قرار داده، و فرموده: «وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا»، و چون نفس را تسویه کرد «فَأَلْهَمَهَا ...» پس به او الهام کرد ... ، و این برای آن بود که اشاره کند به اینکه الهام فجور و تقوا همان عقل عملی است، که از نتایج تسویه نفس است، پس الهام مذکور از صفات و خصوصیات خلقت آدمی است، هم چنان که در جای دیگر فرمود: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (روم/۳۰).
- اهمیت و ارزش استفاده از عقل و فهم درست و ایجاد شاکله اندیشمندانه
 - اشاره به حدیث دوازدهم بابت عقل و جهل اصول کافی در توصیه امام کاظم علیه السلام به هشام در نشست و برخاست با عقلا
 - همراهی عقل و دل عامل خدایی شدن نفس
- نتیجه همراهی عقل و دل در مسیر صحیح در کلام عرفانی
 - حافظ شیرازی در غزل شماره ۱۴۹ اینگونه زیبا سروده است
 - چه خوش صید دلم کردی بنام چشم مست را * که کس مرغان وحشی را از این خوشتر نمی گیرد
 - سخن در احتیاج ما و استغنائی معشوق است * چه سود افسونگری ای دل که در دلبر نمی گیرد
 - من آن آیینه را روزی به دست آرم سکندروار * اگر می گیرد این آتش زمانی ور نمی گیرد
 - خدا را رحمی ای منعم که درویش سر کویت * دری دیگر نمی داند رهی دیگر نمی گیرد
 - مولوی در دیوان شمس در غزل ۱۴۶۲ چنین سروده است
 - صورتگر نقاشم هر لحظه بتی سازم * وانگه همه بتها را در پیش تو بگدازم
 - صد نقش برانگیزم با روح درآمیزم * چون نقش تو را بینم در آتشش اندازم
 - تو ساقی خماری یا دشمن هشیاری * یا آنک کنی ویران هر خانه که می سازم
 - جان ریخته شد بر تو آمیخته شد با تو * چون بوی تو دارد جان جان را هله بنوازم
 - هر خون که ز من روید با خاک تو می گوید * با مهر تو هم رنگم با عشق تو هنبازم
 - در خانه آب و گل بی توست خراب این دل * یا خانه درآ جانا یا خانه بپردازم
- چگونگی شکل پذیری و شاکله نفس در کلام حکیم و فیلسوف
 - نقش علم و عمل در استکمال نفس
 - مآخذ در موارد پرشماری از آثار خود به نقش علم و عمل در فرایند تکاملی انسان اشاره کرده است. او در جلد نهم اسفار می نویسد:
 - «ثم إن استكمال الانسان بحسب كلتا قوتيه النظرية والعملية إنما يتم بالحركات البدنية والفكرية» (ج ۹، ص ۳۶۸).



- از دیدگاه او نفس انسانی وقتی در علم و عمل کامل شد، از حیث قوه علم و ادراک، شجره طیبه ای می شود که ثمرات علوم حقیقی و میوه های معارف یقینی را دارد. اصل آن علوم ثابت، و فرع آن، نتایجی است که همان حقایق عالم ملکوت و معارف عالم لاهوت اند؛ اما از حیث قوه عمل و تأثیرگذاری، نفس به گونه ای است که هرگاه چیزی را بخواهد و آرزو کند، با قوه عملی قوی خود آن را نزد خود حاضر می کند (همان، ص ۳۷۸).
 - مآصدرا سعادت هر قوه، دستیابی آن به چیزی است که مقتضای ذات اوست.
 - **سعادت نفس انسانی نیز به حسب ذات عقلی آن، وصول به عقلیات صرف،** و به حسب مشارکت بدن و وقوع آن در عالم ماده و خانه تن، حصول عدالت است که با صدور افعالی ویژه که انسان را به سوی آن سوق می دهند تحقق می یابد (همان، ص ۱۲۶-۱۲۷).
 - او برای تکمیل تعریف سعادت می گوید: کمال هر قوه ای از نوع و جنس همان قوه است، مثلاً کمال شهوت و سعادت آن لذت، کمال غضب و سعادتش غلبه و انتقام، کمال وهم و سعادت آن و تمنا و کمال حفظ، تذکر و یاد آوری است و برای یک حواس، احساس مناسب با آنست.
- اهمیت همراهی علم و عمل در کلام امیرالمومنین علی علیه السلام
 - **فَرَحِمَ اللَّهُ أُمَّراً نَزَعَ عَنْ شَهْوَتِهِ وَ قَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ فَإِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ أَبْعَدُ شَيْءٍ مِّنْزِعاً وَإِنَّهَا لَا تَزَالُ تَنْزِعُ إِلَى مَعْصِيَةِ فِي هَوَى ...**
 - پس رحمت خداوند بر کسی که شهوات خود را مغلوب و هوای نفس را سرکوب کند، زیرا کار مشکل، باز داشتن نفس از شهوت بوده که پیوسته خواهان نافرمانی و معصیت است.
- لزوم عمل انسان و طهارت نفس در ایجاد شاکله رحمانی با توجه به کلام ملاصدرا
 - بحث از ارتباط اعمال انسان با علوم و ادراکات او از این جهت که گاهی این ادراکات بدون فعالیت ذهنی و تنها به خاطر طهارت نفس و به واسطه اعمال صالح توسط فاعل مفارق بر نفس وارد می شود، دارای اهمیت است. صدرالمآلهین این حقیقت را اینگونه تبیین میکند:
 - ... أن النفس إذا كانت مقدسة عن دنس الطبيعة و درن المعاصی مطهرة عن الرذائل الخلقية مقبلة بوجهها إلى بارئها و مشيتها متوكلة عليه معتمدة على إفاضته فإلله تعالى ينظر إليها بحسن عنایتة و يقبل عليها إقبالا كلياً و يتخذ منها لوحاً و من العقل الكلي قلماً و ينقش من لدنه فيها جميع العلوم ... و هذا النحو من العلم أشرف من جميع علوم الخلائق... (مفاتيح الغيب الشيرازی، ۱۳۶۳، ص ۱۴۵).